

سیده لیلی عظیمی*

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۱۰

چکیده

برابری سیاسی یکی از محوری ترین پایه های دموکراسی است که طیفی از اندیشمندان و متفکران جهان غرب، به تقابل آن با اسلام سیاسی باور دارند. این گروه با استدلال هایی متفاوت اسلام سیاسی را فاقد ظرفیت و توان لازم در تحقق برابری سیاسی تلقی کرده اند. ترکیه یکی از نمونه های منحصر به فرد به شمار می رود که رویکردها و اقدامات حزب اسلام گرای عدالت و توسعه، منطق تقابل اسلام سیاسی با اصول و مبانی دموکراسی را با چالش مواجه ساخته است. نوشته حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی، عملکرد حزب عدالت و توسعه را در چگونگی تحقق اصل برابری سیاسی به بحث گذاشته است. نگارنده پس از شناسایی و معرفی گروه های دینی - مذهبی و قومی - نژادی، اقدامات حزب عدالت و توسعه را در دو دوره حاکمیت این حزب بر جامعه مسلمان ترکیه، در دو حیطه نظری و عملی مورد مذاقه قرار داده است. در حوزه نظری، برابری سیاسی در اساسنامه و بیانیه های انتخاباتی حزب بررسی و نشان داده شده که برابری به وجهی عام مورد تاکید رهبران حزب عدالت و توسعه بوده است. در حیطه عملی نیز تجربیات حزب در عرصه های تحقق برابری سیاسی چون حق انتخاب، حق انتخاب شدن و حق احراز مناصب سیاسی، تحلیل و ارزیابی شده است. یافته های مقاله در این خصوص حاکی از عزم، اراده و اهتمام جدی حزب در تحقق و توسعه برابری سیاسی در قلمروهای مورد بحث بوده است.

واژگان کلیدی: حزب عدالت و توسعه، برابری سیاسی، حق انتخاب، حق احراز مناصب سیاسی

* کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبائی

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۵۵ - ۱۲۷.

مقدمه

برابری از ارکان و پایه‌های نظام دموکراسی است؛ یعنی همه افراد جامعه باید در برابر قانون یکسان و برابر بوده، از حق شرکت در وضع قوانین دولتی یا نقد آنها برخوردار باشند. براساس اصل برابری، باید به تمامی اعضای جامعه فرصت کافی داده شود تا در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، آموزشی و پرورشی، به میزانی که می‌خواهند دخالت کنند. طبق این اصل، همه انسان‌ها دارای ارزش یکسانی بوده و هیچ کس بر دیگری حقی ندارد، مگر آنکه او نیز حقی بر عهده داشته باشد. حکومت نه تنها به منافع مردم، بلکه باید به نظرات آنان نیز به‌طور برابر ارجح دهد.^۱ در نظام‌های دموکراسی، برابری اغلب در یکی از تعاریف زیر به کار می‌رود:

برابری مدنی: عبارت است از حق برابر تمام شهروندان در مالکیت؛ یعنی همه افراد از این نظر که باید از جان، مال و ناموسشان محافظت به عمل آید، از حقی مساوی برخوردارند و می‌توانند برای چنین محافظت‌هایی به دادگاه‌ها متوسل شوند.

برابری اجتماعی: در جایی است که قانون یا عرف هیچ تمایز و امتیاز رسمی بین گروه‌ها و طبقات قائل نشود.

برابری طبیعی: شباهت‌هایی است که همه انسان‌های دارنده حواس پنجگانه یکسان در بدو تولد واجد آنها هستند. همه انسان‌ها برهنه پا به عرصه جهان می‌گذارند و در حالت طبیعی، اندام‌های جسمانی مشابه و احتمالاً قابلیت‌های ذهنی، امیال و خواسته‌های یکسانی دارند.

برابری اقتصادی: عبارت است از تلاش در راستای حذف تمامی امتیازات در ثروت از طریق اختصاص سهم مساوی برای هر زن و مرد در مواهب دنیوی.^۲

برابری سیاسی: اینکه همه شهروندان یا دست‌کم تمام شهروندان بالغ مرد، سهم یکسانی در نحوه اداره امور جامعه و در احراز هر پستی دارند؛ البته سن، تحصیلات و عدم آلودگی به مفاسد از شروط آن است. در برابری سیاسی، هر فردی باید یک رای داشته باشد؛ بدین معنا که هیچ‌کسی حق ندارد بیش از یک رای داشته باشد. هر رای باید به‌طور مساوی شمرده شود؛ یعنی اینکه هر رای ارزش یکسانی دارد. اگر قرار است هر رای به‌طور مساوی شمرده شود، نتیجه منطقی آن این است که تعداد نمایندگان انتخاب شده، باید نسبت مستقیم با تعداد آرای ریخته شده برای آنها داشته باشد.^۳

برابری سیاسی اصل مشترکی در دموکراسی‌های نوین است. از دید برخی از صاحب‌نظران محتمل‌ترین راه حل برابری سیاسی، این است که همه افراد جامعه از حقوق مشارکت یکسان و برابر در روند تصمیم‌گیری‌های همگانی سیاسی برخوردار شوند. این امر مستلزم عدم تبعیض بین افراد از هر نوع، به‌ویژه از لحاظ نژاد، قومیت، جنسیت، مذهب و عقیده سیاسی است. حق انتخاب، حق انتخاب شدن و حق احراز مناصب سیاسی مهم‌ترین قلمروهای تحقق چنین اصلی به‌شمار می‌رود. درک بهتر مفهوم برابری سیاسی مستلزم شناخت گروه‌های مختلف اجتماعی چون گروه‌های دینی، قومی و حتی جنسیتی هر جامعه است، برخوردار نبودن کشورها از یکپارچگی‌های قومی-نژادی و دینی-مذهبی معیاری برای محک زدن میزان تحقق برابری‌های سیاسی است. در میان جوامع مسلمان، عملکرد حزب عدالت و توسعه ترکیه به‌واسطه ۱. قرار گرفتن در منطقه‌ای که ضعف‌های دموکراتیک در روندهای سیاسی آن زیاد به‌چشم می‌خورد؛ ۲. بافت اجتماعی ناهمگون و گوناگونی گروه‌های دینی-مذهبی، نژادی و قومی در آن؛ و ۳. قرار گرفتن در راس هرم قدرت و حاکمیت به‌عنوان نماد اسلام سیاسی، در چگونگی پیشبرد اصل برابری سیاسی حائز اهمیت است.

مقاله حاضر ضمن شناسایی و معرفی گروه‌های دینی-مذهبی، و قومی-نژادی جامعه، به تبیین تلاش‌ها و تجربیات حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در دو حیطه نظری و عملی می‌پردازد. در حیطه نظری، اساسنامه و بیانیه‌های انتخاباتی حزب بررسی و در حیطه عملی، تجربیات حزب در عرصه‌های برابری سیاسی نظیر: حق انتخاب و حق انتخاب شدن و حق احراز مناصب سیاسی، سنجش و ارزیابی می‌شود.

گروه‌های اجتماعی

الف. گروه‌های دینی و مذهبی

ترکیه به‌موزاییکی از گروه‌های دینی مسلمان و غیرمسلمان، شهره است. این کشور که مرزهای نهایی‌اش در موافقت‌نامه بین‌المللی لوزان تعیین شد، از لحاظ تنوع دینی ادامه وضعیتی محسوب می‌شود که در دوره شش قرن حیات امپراتوری عثمانی تداوم داشت، اما آنچه جمهوری

ترکیه را از امپراتوری عثمانی متمایز می‌کند، این است که این جمهوری موفق شد قلمرو اقلیت‌های شناخته شده این کشور را محدود کند؛ بندهای ۳۷ تا ۴۴ موافقت‌نامه لوزان اقلیت‌های دینی ترکیه را به گروه‌های غیراسلامی؛ یعنی مسیحیان، یهودیان و برخی فرقه‌های دیگر دینی محدود کرد.^۴

موافقت‌نامه لوزان عملاً اقلیت‌های دینی غیرمسلمان را به رسمیت شناخت، به این اقلیت‌ها حق داد که امور آموزشی، دینی، زبانی و اموال شخصی را در دست داشته باشند. هرچند این موافقت‌نامه گونه‌ای از حمایت و یا قیمومت بین‌المللی را بر حسن اجرای بندهای مربوط به اقلیت‌های غیرمسلمان در نظر گرفته است، اما این موافقت‌نامه در هیچ‌یک از مواد خود در مورد وجود اقلیت‌های مذهبی در چارچوب اسلام اشاره نکرده است.^۵

به‌رغم عدم شناسایی گروه‌های دینی مسلمان، جامعه مسلمان ترکیه امروز را گروه‌های دینی و مذهبی زیر تشکیل می‌دهد:

گروه‌های دینی مسلمان

۱. علویان

در راس اقلیت‌های دینی مسلمان، علویان قرار دارند. علویان در طول تاریخ با اسامی مختلفی شناخته شده‌اند که از آن جمله‌اند: علویه، نصیریه، نمیریه، قزلباش و علی‌اللهی. با ظهور و گسترش علویان، این طایفه در نقاط مختلفی که با عادات و سنن اجتماعی و اعتقادات قومی آنان همسو بود، پراکنده شدند. اگرچه منابع رسمی در ترکیه آمار واقعی علویان را اعلام نمی‌کنند، ولی جمعیت این گروه در این کشور قابل توجه است و تقریباً ۱۵ میلیون نفر از جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند. با وجود اینکه هر ده سال یکبار در جمهوری ترکیه سرشماری صورت می‌گیرد، وابستگی‌های دینی و قومی اشخاص مورد سوال قرار نمی‌گیرد، از اینرو پژوهشگران و محققان به آماری که از سوی اشخاص ارایه شده، تکیه می‌کنند.

علویان به‌طور عمده در سه قوم کرد، ترک و عرب پراکنده هستند. علویان عرب که به نصیریان معروف هستند، در حال حاضر بیشتر در مناطق اسکندرون، ادنا و آنتاکیه پخش شده و

جمعیتی حدود ۲۵۰ هزار نفر را تشکیل می‌دهند. از طرفی، علویان کرد با جمعیتی حدود ۵ تا ۷ میلیون نفر در مناطق بینگل، نون حلبی، سیواس، یوزگات، الازیق، قهرمان و دیگر مناطق کردنشین در جنوب شرقی ترکیه پراکنده هستند. علویان ترک‌تبار نیز که به قزلباش‌ها معروف می‌باشند، به‌طور عمده در منطقه آناتولی داخلی و غربی و تاحدودی هم در حاشیه دریای سیاه ساکنند. افزون بر این سه قوم، علویان ترکمن نیز در مناطق فارس، توقات، چوروم، بالک اسیر و ازمیر ساکن می‌باشند.^۶

علویان در دوران حاکمیت عثمانی از کمترین امکانات و حقوق برخوردار بودند؛ چراکه از دوران سلطان سلیم متهم به خیانت به کشور و تعداد زیادی از آنان کشته شدند. آنها در جنگ چالدران طرفدار شاه اسماعیل بودند و در ارتش شاه (قزلباش) نقش فعالی را ایفا می‌کردند و این امر باعث شد که بعد از خاتمه جنگ از موقعیت بسیار پایین و پستی برخوردار شوند. اینان در حقیقت، قربانی نزاع میان حکومت عثمانی و صفویه شدند. عده‌ای راه فرار به ایران را درپیش گرفتند و گروهی دیگر به خارج از ترکیه مهاجرت کردند و آنها را که قرار را بر فرار ترجیح دادند، یا به کوه‌ها گریخته یا در روستاهای دورافتاده مخفی شدند و عده‌ای هم در آناتولی ماندند و در آتش تبعیض و تضيیقات دولت عثمانی سوختند.^۷

اعلام حکومت جمهوری و سپس اصلاحات آتاتورک، برای نخستین‌بار در ترکیه موجب شادکامی ترکان علوی شد؛ زیرا پس از چهار قرن ظلم، فرصت خوبی برای علویان پیش آمده بود تا عقاید خود را آشکارا اعلام کنند و مورد تبعیض واقع نشوند. به همین علت علویان سرسختانه از نظام لائیک آتاتورک حمایت کردند. از دیدگاه سیاسی، علویان با تقلید بی‌چون و چرا از نظریات آتاتورک به‌طور عملی همان راهی را طی کردند که دولت لائیک خواهان آن بود. مصطفی کمال، تأثیری مثبت در قانونمندی و شهروند بودن علویان در جامعه ترکیه نوین گذاشت و آنها را از انزوا و عقب‌ماندگی نجات داد. همچنین با تحصیل اجباری و تشویق به برقراری تماس عمیق با جامعه گسترده ترکیه، آنها را دوباره وارد حوزه عمومی کرد. اما از طرف دیگر، آتاتورک با زیرکی توانست با درگیر کردن علویان در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه، ساختار هویت سیاسی آنان را طوری ترسیم کند که به طرفداری از نظام سیاسی لائیک مشهور شوند.^۸

علویان پس از آتاتورک آرای خود را به‌طور سنتی به حزب جمهوری‌خواه خلق دادند، آنها از سال ۱۹۶۵ با جریان‌های سوسیالیستی هماهنگ شدند و سپس به حزب سوسیالیست بلنت اجویت پیوستند. رویکرد چپ‌گرایانه علویان، پس از واقعه ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ دگرگون شد. در این واقعه، علویان و سنی‌ها در شهر قهرمان ماراش با یکدیگر درگیر شدند و ارتش با مداخله خود، علویان را قتل‌عام کرد. علویان پس از این ماجرا، آرای خود را در پوشش‌های مختلف، به احزاب راست دادند. ولی پیوندشان با محافظه‌کاران هم زیاد طول نکشید. سرانجام، جریان سیاسی علوی‌گری هویت سوسیال دموکرات را پذیرفت. این حزب پس از آنکه از آرای علویان سود جست، آنها را نادیده گرفت. پس از آن آرای علویان به‌عنوان عکس‌العمل قهرآلود نسبت به جریان چپ و دولت، به سوی حزب رفاه، حزب حرکت دموکراسی، و حزب راه راست سرازیر شد.^۹

عقاید علویان

در خصوص عقاید علویان، باید گفت که به‌دلیل اتکای آنها به سنن شفاهی و سینه به سینه، روایات متنوع و گاه متناقضی از آنان دیده و شنیده می‌شود. آنچه که معلوم و قطعی است، عدم پایبندی آنها به عقاید و مناسک مرسوم و سنتی اسلام است. آنان اعتقاد چندانی به قرآن ندارند و آن را تحریف شده می‌دانند که آیات مربوط به حضرت علی(ع) و اهل بیت از آن حذف گردیده است. در عوض به کتب کوچک و پراکنده موسوم به بویروق (حکم)، عقیده دارند که اکثراً به امام صادق(ع) منتسب می‌کنند. کتاب مذکور به‌دلیل مخفی بودن مذهب و دورافتادگی علویان از هم، در شکل‌های مختلفی موجود است. علویان عقاید خود را در یک جمله خلاصه می‌کنند: «بر دست و زبان و شهوت خود حاکم باش.» از سوی دیگر، علویان در عبادات خود از زبان عربی استفاده نمی‌کنند و همه عبادات و متون مذهبی‌شان (حتی علویان کردنژاد) به ترکی است.^{۱۰}

علویت ترکیه یک نظام اعتقادی مبتنی بر دوستی علی(ع) و اهل بیت(علیهم‌السلام) و دوازده امام است، امام از هرگونه اشتباه، قصور و گناه مبرا است، او باطن قرآن، عالم و پیشوای دینی اجتماع تلقی می‌شود. علویان به غایب شدن دوازدهمین امام در دوران کودکی و در قید حیات بودن و قیام

او علیه ظلم و ستم اعتقاد دارند. امام دوازدهم که سختی‌های زیادی را دیده است، امید و انتظار جامعه علوی را تشکیل می‌دهد و به‌عنوان نماد بیداری و حیات علویت است.^{۱۱}

علوی‌ها نماز نمی‌خوانند، به حج نمی‌روند، زکات نمی‌دهند، در ماه رمضان روزه نمی‌گیرند. اما به‌جای آن ۱۲ روز از ماه محرم را روزه می‌گیرند و شرب خمر در نظر آنان حرام نیست. مراسم دینی آنان، اجتماع در خانه‌های جم است که در طول سال چند بار برقرار می‌شود. جم صرفاً به‌عنوان یک شکل عبادت جمعی نیست، بلکه در عین حال مجلس رسیدگی به جرایم می‌باشد.^{۱۲}

به‌نظر می‌رسد که مهم‌ترین مشکل جامعه علویان ترکیه که خود را شیعه جعفری اثنی‌عشری معرفی می‌کنند، این است که هیچ منبع مکتوب که مورد استناد آنان از لحاظ عقیدتی و فکری باشد، در میانشان حتی در نزد نخبگان آنها وجود ندارد؛ آنچه که در حال حاضر به‌عنوان حافظ هویت فکری آنها مطرح است، عبارت از اشعاری به زبان ترکی است که توسط بزرگان ایشان در مدایح و مراثی اهل بیت(ع) و همچنین بیان دلدادگی و عشق به آن بزرگان سروده شده است؛ همچنین برخی سخنان قصار عرفانی که راجع به آداب سالک، مرید، اهل معرفت و حقیقت و مراتب مختلف عرفانی بیان شده است.^{۱۳}

در حال حاضر چند گرایش در میان علویان وجود دارد:

الف. برخی علوی‌گری را پیروی از امام علی(ع) دانسته و با توجه به اینکه ایشان پایبند فرائض پنج‌گانه بوده‌اند، معتقدند که باید به اسلام اصیل نزدیک شد. این گروه در انتخاب تشیع یا تسنن مشکل دارند، گرچه به تشیع بسیار نزدیک‌ترند؛

ب. برخی علوی‌گری را نوعی گرایش سکولار دانسته و آن را خارج از جریان مذهبی می‌دانند و بر این باورند که به هیچ گرایش مذهبی وابستگی ندارد؛

ج. گروهی نیز راهی میان این دو را انتخاب کرده و به‌عبارتی از هر دو پرهیز دارند. این جماعت تلاش دارند همان هویت التقاطی - تاریخی را نگه دارند.

علل ظهور علویان

به‌طور قطع دو عامل اجتماعی و سیاسی را می‌توان در ظهور علویان موثر دانست. در بعد

اجتماعی، موج هجرت روستایی که در دهه ۷۰ بنا به دلایل اقتصادی و سیاسی برای علوی‌ها به اوج خود رسید، عاملی تعیین‌کننده به‌شمار می‌آید. مهاجرت به شهرها به‌طور اجتناب‌ناپذیری اشکال جدیدی از علوی‌گری را به‌وجود آورد؛ چیزی که در قرن‌های گذشته در مناطق دورافتاده روستایی وجودش به همان شکل باقی مانده بود. شهرنشینی سریع موجب تغییرات بنیادین در ساختار اجتماعی این جامعه، افزایش سریع جمعیت علوی‌های تحصیل‌کرده و ظهور بورژوازی علوی و شکل‌گیری یک طبقه‌بندی جدید اجتماعی شد.

به‌لحاظ سیاسی نیز علل عدیده‌ای موجب گردید این گروه در دهه‌های اخیر حضور پررنگ‌تری در جامعه سنی مذهب ترکیه داشته باشند. دلیل اول، سقوط بلوک سوسیالیستی در اروپای شرقی در پایان دهه ۸۰ بود، در نتیجه این تحول، سوسیالیسم که در دو دهه گذشته جایگزین بلامنازع ایدئولوژیک برای نسل جوان و میان‌سال علوی شده بود، اهمیت سابق خود را از دست داد. جمعیت بزرگی از علوی‌هایی که از نظر سیاسی سرخورده شده بودند، در جستجوی مفر جدید برآمدند. تعداد زیادی از آنها که ضمن فعالیت‌های دهه ۷۰ در احزاب دست‌چپی تجربیات سیاسی کسب کرده بوده و شبکه‌های گسترده اجتماعی تشکیل داده بودند، در اواخر دهه ۸۰ شروع به معرفی خود به‌عنوان علوی کردند. آنها دریافتند که نباید علوی‌گری را به‌خاطر سوسیالیسم کنار بگذارند. آنها علوی‌گری را ایدئولوژی‌ای یافتند که جنبه‌های عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی آن از سوسیالیسم بیشتر است. بازگشت این گروه‌ها به جامعه‌ای که به آن تعلق داشتند، منجر به ارایه واژه‌ها و روش‌های جدیدی از علوی‌گری شد.

دومین دلیل و شاید مهم‌ترین عامل، ظهور اسلام سیاسی در ترکیه بود. علوی‌ها به‌خاطر میراث تاریخی گسترده و قابل ملاحظه‌شان با خیزش دوباره اسلامی که از انقلاب اسلامی ایران نیروی جدیدی یافته بود، به حال آماده‌باش درآمدند. مهم‌ترین انگیزه برای تاسیس و گسترش سریع سازمان‌های علوی، امروزه در سرشت دفاعی علوی‌ها در مقابل خیزش اسلامی نهفته است که موجب تلاش‌های گوناگون سازمان‌های نوظهور برای ایجاد وحدت سیاسی گردید. عمق این ترس را می‌توان در این حقیقت فهمید که حتی سازمان‌هایی که درک متفاوتی از ماهیت علوی داشتند، موضع سیاسی مشترک اتخاذ نمایند.

سومین دلیل موثر در احیای علوی‌ها، مساله کردها بود؛ چراکه بخش مهمی از علوی‌ها کرد هستند. آنها از درگیری‌های یاد شده این حقیقت را دریافتند که درگیری‌های ملی‌گرایانه به‌طور مستقیم بر جامعه آنها تأثیرگذار است. این آگاهی موجب اظهار قومیت علوی در گفت‌وگوهای موجود در کشور شد. علوی‌ها در مقابله با اسلام‌گرایی، در انتخاب سیاسی خود به سکولاریسم متمایل شدند. آنان هدف خود را در مناسبات سیاسی نشان دادند و در مقابل ملی‌گرایی کردی، به اصل اتحاد گرایش پیدا کردند و بر وابستگی و هویت مذهبی خود به‌عنوان علوی تأکید کردند.^{۱۴}

علوی‌ها اولین بار در سال ۱۹۶۶ «حزب وحدت ترکیه» را تشکیل دادند. پرچم آن حزب زمینه قرمز داشت و در آن دوازده ستاره به‌عنوان نمادی از دوازده امام و در میان آنها شیری به‌عنوان نماد حضرت علی (ع) نمایان بود. بنیان‌گذاران آن حزب همگی علوی بودند و در انتخابات سال ۱۹۶۹ با رأی ۲/۸ درصد، ۸ نماینده را به مجلس فرستادند؛ اما بعد از آن ضعیف شدند و در انتخابات ۱۹۷۳ شکست خوردند. پس از آن، اعضای این گروه به حزب جمهوری خلق و بعد از کودتای سال ۱۹۸۰ هم به حزب خلق سوسیال دموکرات تمایل پیدا کردند. از آن روز تاکنون علوی‌ها یک حزب مستقل ندارند.^{۱۵}

شیعیان (جعفریه یا اثنی‌عشریه)

شیعیان از دیگر گروه‌های دینی ترکیه به‌شمار می‌روند. تاریخ شیعیان ترکیه با مهاجرت ترکان از آسیای میانه به سرزمین فعلی ترکیه و گرویدن بخش مهمی از ترکان به تشیع آغاز می‌شود. بخش اعظم شیعیان ترکیه را ترکان آذری تشکیل می‌دهند. شیعیان جعفری که شمار آنها بالغ بر یک میلیون نفر است، در نزدیکی مرزهای ایران سکونت دارند و برخی از آنها مهاجرانی هستند که از ایران به ترکیه رفته‌اند.

پراکندگی جمعیت شیعیان جعفری ترکیه را می‌توان به صورت زیر ذکر کرد:

۱. شرق و شمال شرقی ترکیه: در مرز ایران، ارمنستان و نخجوان، شهرها و روستاهای این منطقه؛ مانند شهرهای اغدیر، قارص، توزلوجا، آرالیک، تاشیلی چای، آکیاکا، و آراپچای بیشتر شیعه‌نشین هستند؛

۲. شمال غربی ترکیه: بیشتر در شهرهای استانبول، بورسا و ازمیر سکونت دارند؛
۳. مرکز ترکیه: بیشترین تجمع شیعیان جعفری در مرکز ترکیه در پایتخت این کشور یعنی آنکارا و سایر شهرهای بزرگ است؛ و

۴. غرب ترکیه: در شهرهایی چون ازمیر و تورگوتلو استان «قارص» ساکن هستند.^{۱۶}
اکثریت این شیعیان در جنگ جهانی اول از ایران، آذربایجان و ارمنستان وارد سرزمین ترکیه شدند. عده دیگری از آنان هم بعد از جنگ جهانی دوم از روسیه فرار کردند و از طریق دولت آلمان به ترکیه مهاجرت نمودند. در سال‌های بعد از ۱۹۷۰، شیعیان برای اشتغال از دو شهر ترکیه (قارص و اغدیر) به شهرهای بزرگ ترکیه و نیز خارج از کشور، به‌ویژه آلمان مهاجرت کردند. همچنین در زمان درگیری ارتش و پ.ک.ک. جعفری‌ها باز هم به غرب ترکیه کوچ کردند و این موجب شد نام جعفریه در ترکیه بر زبان‌ها بیفتد. شهر هم‌مرز ایران، قارص، پیشتر مرکز شیعیان ترکیه به حساب می‌آمد، ولی امروزه مرکز آنان استانبول است.^{۱۷}

بنا به دلایل تاریخی، از جمله ظلم شاهان عثمانی علیه علویان و شیعیان، پس از شکل‌گیری جمهوری ترکیه و آزادی بسیار اندکی که به آنان داده شد، شیعیان و علویان با رژیم لائیک ترکیه کنار آمدند و از هرگونه درگیر شدن با دولت اجتناب نموده‌اند. به‌همین دلیل، هیچ گروه فعال سیاسی و یا مخالف دولت در میان شیعیان وجود ندارد و بنا به اظهارات مقامات ترکیه، هیچ تهدیدی از ناحیه شیعیان این کشور، متوجه حکومت نیست.

در ترکیه، دو جماعت و یا گروه عمده شیعی جعفری وجود دارد که مرکزیت هر دو در استانبول می‌باشد: گروه نخست، گروه (زینبیه) به رهبری شیخ صلاح‌الدین اوزگوندوز است؛ و گروه دوم، گروه (کوثر) است که به شکل شورایی اداره می‌شود؛ گروه کوثر نزدیک به ۱۳ سال قبل، توسط تعدادی از علمای تحصیل کرده در قم بنیان گذاشته شد و به فعالیت پرداخت. شیعیان ترکیه دارای حزب سیاسی مشخصی نبوده و در انتخابات معمولاً از احزاب راست‌گرای ملی و اسلامی حمایت می‌کنند. بدین ترتیب که بیشتر شیعیان جعفری مناطق شمال شرقی از حزب افراطی ملی به نام حرکت ملی گرا حمایت می‌کنند و در مناطق غربی نیز (در ازمیر، بورسا و استانبول) به‌طور معمول طرفدار احزاب اسلامی و ملی هستند.^{۱۸}

گروه‌های دینی غیرمسلمانان

اقلیت‌های مذهبی در ترکیه تنها در گروه‌های دینی مسلمان خلاصه نمی‌شود، بلکه اقلیت‌های کوچکی از گروه‌های دینی غیرمسلمان نیز در این کشور ۷۰ و چند میلیونی ساکن هستند که جمعیت بسیار اندکی دارند:

۱. مسیحیان / ارمنی‌ها

۹۸ درصد جمعیت ترکیه مسلمان و فقط دو درصد آنان تابع ادیان دیگرند و در آن یک درصد نیز اکثریت را مسیحیان تشکیل می‌دهند که اغلب آنان ارتدکس هستند در زمان دولت عثمانی در سرزمین آناتولی، ۱/۵ میلیون ارمنی پروتستان زندگی می‌کردند، ولی این عدد بعد از تاسیس جمهوری ترکیه به ۳۰۰ هزار نفر کاهش یافت. ارتدکس‌های ترکیه امروزه بسیار فعالند، صدها کلیسا در سراسر کشور دارند و مرکز آنان استانبول است. در دهه‌های اخیر و بیشتر در زمان حکومت لایک بلنت اجویت، نخست وزیر سابق ترکیه، در استانبول چندین کلیسا بدون اجازه دولت افتتاح شد.^{۱۹}

۲. یهودیان

بنابر آمار ارایه شده، حدود ۲۲ هزار یهودی در ترکیه زندگی می‌کنند که عمدتاً در استانبول متمرکز شده‌اند و مابقی آنان نیز به ترتیب در ازمیر، آنکارا، انطاکیه و بورسا سکونت دارند. در ترکیه به یهودیان «جماعت موسوی» گفته می‌شود. آمدن موسویان به ترکیه در زمان دولت عثمانی اتفاق افتاد. در تاریخ آمده است که فردیناند، پادشاه بزرگ اسپانیا، فرمان داده بود که همه غیرمسیحیان تبعید یا اعدام شوند. در پی این فرمان، عده‌ای از یهودیان اعدام شدند و بقیه در سال ۱۴۹۲ با فرمان بایزید دوم، پادشاه عثمانی، به استانبول آورده شدند. یهودیانی که طی قرون یازده تا هفده میلادی از سراسر اروپا رانده شدند، به حکومت عثمانی وقت پناه بردند. در سال ۱۹۳۳، مصطفی آتاتورک بسیاری از متفکران و افراد تحصیل کرده یهود را به مهاجرت به ترکیه دعوت نمود. دیپلمات‌های ترکیه جمع کثیری از یهودیان ساکن در کشورهای آلمانی‌ها اشغال شده بود را از مرگ نجات دادند.^{۲۰} در عین حال، حکومت ترکیه همیشه با یهودیان برخورد

مثبت نداشته است. در سال ۱۹۳۴، حکومت وقت ترکیه قانونی را به تصویب رساند که بر اساس آن منطقه مرزی نزدیک بلغارستان و یونان به نام «تراکین-شرقی»، که در آن یهودیان قدرت مطلق داشتند، به مسلمانان واگذار شد. انتشار مطالب ضدیهودی در روزنامه‌ها و حمله به منازل یهودیان، باعث شد تا جمع ۱۰ هزار نفری آنها، منطقه تراکین را به سوی استانبول ترک نمایند. در سال ۱۹۴۲، حکومت ترکیه قانون مالیات بر سرمایه را تصویب نمود. براساس این قانون، اموال تجار مسلمان شامل پرداخت مالیات بسیار کمی می‌شد، اما اقلیت‌های مذهبی موظف به پرداخت مالیات‌های سنگین بودند. بدین ترتیب، جامعه یهود آن زمان سرمایه خود را از دست داد و اموال آنها به تاراج رفت. هر کسی که قادر به پرداخت مالیات نبود، دستگیر می‌شد و به بازداشتگاه کار اجباری در نزدیکی مرز روسیه فرستاده می‌شد. بازداشت‌شدگان می‌بایست در سرمای ۳۰ درجه زیر صفر خیابان‌ها را آسفالت کنند. به واسطه این قانون، اموال اقلیت‌ها به مسلمانان انتقال یافت. در یک حرکت ملی دیگر در سال ۱۹۵۵، در ازمیر و استانبول کلیه اماکن کسب متعلق به یونانی‌ها، آرامنه و یهودیان به آتش کشیده شد؛ اما امروز جو ضدیهودی تنها در متون تندروها دیده می‌شود. در سال ۲۰۰۲ که حزب عدالت و توسعه روی کار آمد، رهبر حزب در ملاقاتی با نمایندگان یهودیان در واشنگتن اعلام نمود که ترکیه مشکلی با یهودیان ندارد. اکثر اقلیت‌های مذهبی خواهان به عضویت درآمدن ترکیه در اتحادیه اروپا هستند؛ زیرا معتقدند بدین ترتیب هرگونه حرکت خشن و ناشی از تعصب مذهبی برطرف خواهد شد.^{۲۱} در برخی ادوار موسوی‌ها مقامات بالای دولت را در دست داشتند، رخشان اجویت، همسر بلند اجویت نخست‌وزیر سابق ترکیه، اسماعیل جم، وزیر خارجه سابق ترکیه و درویش اوغلو از آن جمله‌اند. باید اذعان داشت که یهودیان این کشور از نوعی رفاه نسبی و همزیستی مسالمت‌آمیز با مسلمانان برخوردار بوده و در این خصوص، وضعیتی کاملاً متفاوت با دیگر اقلیت‌های این کشور داشته‌اند.

۳. سریانی‌ها و کلدانی‌ها

از دیگر اقلیت‌های ترکیه، گروه‌هایی از سریانی‌ها هستند که سوری‌الاصل و ارتدوکس بوده و به‌طور طبیعی در مناطق مرزی سوریه زندگی می‌کنند. طبق برخی آمار، حدود ۲۰ هزار تن

سریانی در این شهر زندگی می‌کنند. همچنین تعداد زیادی از این اقلیت به اروپا مهاجرت کردند. جمعیت کلدانی‌ها نیز در حدود ۱۰ هزار نفر است که عمدتاً در مناطق مرزی ترکیه با عراق و سوریه زندگی می‌کنند. کلدانی‌ها به لحاظ مذهبی به مرجعیت پاپ وفادارند.^{۲۲}

ب. گروه‌های نژادی و قومی

گروه‌های دینی که به اجمال معرفی شدند، تنها اقلیت‌های ترکیه محسوب نمی‌شوند، بلکه علاوه بر گروه‌های دینی و مذهبی، گروه‌های قومی متعددی نیز در این کشور ساکن هستند. در موافقت‌نامه لوزان، همه قومیت‌های ساکن اراضی ترکیه به لحاظ زبانی و فرهنگی در چارچوب نژاد ترک تعریف شد. قومیت‌های کوچک اهمیت خود را از دست دادند. آتاتورک همه قومیت‌های کوچک نژادی را از ابراز هویت خود، حفظ زبان اصلی، گشایش مدارس و دانشگاه‌های ویژه و نیز راه‌اندازی شبکه‌های رسانه‌ای به زبان اصلی خود، منع کرد. همه ساکنان ترکیه، هم به لحاظ زبانی و فرهنگی و هم به لحاظ ریشه تاریخی ترک محسوب شدند. در راس اقلیت‌های قومی کردها قرار دارند.

۱. کردها

کردها قوی‌ترین و بزرگ‌ترین اقلیت قومی و نژادی در ترکیه هستند که جمعیت آنها ۱۹ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. فراز و فرود این اقلیت را می‌توان در چند دهه به شرح زیر خلاصه کرد:

- دوره اول. سال‌های سرکوب و تقابل (از تاسیس جمهوری تا جنگ جهانی دوم): هم‌زمان با شکل‌گیری جمهوری ترکیه بر پایه ایدئولوژی کمالیسم، اقلیت چند میلیون نفری کردزبان این کشور به حاشیه رانده شد و مورد سرکوب شدید قرار گرفت. هویت و موجودیت کردها انکار شد. در قانون اساسی و قانون احزاب سیاسی، هیچ‌گونه جای بحثی در مورد تشکیل و یا عدم تشکیل یک حزب کرد وجود نداشت، قانون اساسی اجازه تشکیل احزاب سایر قومیت‌ها را نمی‌داد. این نحوه نگرش و رویکرد افراطی دولت ترکیه و ترک‌گرایی سیستم کمالیسم، واکنش کردها را از

همان ابتدا برانگیخت. شورش‌های شیخ سعید پیران، سیدرضا درسیمی، جنبش آرات و غیره در دو دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ پاسخی به رویکرد برتری‌طلبانه و غیردموکراتیک ترک‌ها بود که از سوی دولت ترکیه به شدت سرکوب و رهبران آنها اعدام و یا تبعید شدند.^{۳۳}

– دوره دوم. سال‌های آرام همراه با فعالیت‌های مسالمت‌آمیز سیاسی (از جنگ دوم تا کودتای ۱۹۸۰): کردها بعد از آخرین حرکت کردی در دهه ۳۰ به دست نیروهای کمالیست، بعد از دو دهه مقاومت در برابر سیاست همانندسازی و انکار و هم‌زمان با تحولات داخلی ترکیه در دهه ۱۹۴۰، کم‌کم به فعالیت‌های سیاسی روی آوردند. در سال‌های اواخر دهه ۱۹۴۰، ترکیه از سیستم تک‌حزبی به سیستم چندحزبی گام نهاد و در انتخابات ۱۹۵۰، برای نخستین بار احزاب مختلف برای کسب قدرت، بعد از حاکمیت کمالیسم بر ترکیه، به رقابت پرداختند. در این مقطع، دولت رویه ملایم‌تری نسبت به کردها اتخاذ کرد و تاحدودی آموزش و تعلیمات دینی در مدارس مجاز شناخته شد و در سال‌های اواخر این دهه، نخست‌وزیر ترکیه کردها را به‌خاطر خدمات در ارتش ستود. در نتیجه انتخابات پارلمانی ۱۹۵۰ و پیروزی حزب دموکرات به‌رهبری عدنان مندرس، که در آن گروه‌های متنوعی حامی‌اش بودند، کردها نیز از جمله این گروه‌ها به حساب می‌آمدند. کردها همگی به حزب دموکرات رای دادند و این عکس‌العملی در مقابل سرکوب کردها از جانب سیاست کمالیست‌ها بود. تعدادی از کردها به مجلس ملی ترکیه راه پیدا کردند و کرسی‌های کابینه را به دست گرفتند. مهم‌تر از آن، حزب دموکرات به خان‌ها و شیخ‌های تبعید شده اجازه داد به شهرها و روستاهای خود در کردستان بازگردند. در حقیقت، حزب دموکرات به مبادله‌ای با رهبران سنتی در کردستان دست زد؛ زیرا آنها تعداد وسیعی از آرای محلی را در کنترل داشتند و می‌توانستند از طریق پیروانشان به حزب کمک کنند و در مقابل نیز به جایگاه‌های قبل از تبعید باز گردند. بنابراین مواضع رهبران سنتی، هم در مقابل حکومت مرکزی و هم در مقابل جمعیت محلی تقویت شد.

در دهه ۱۹۶۰، احزاب و حرکت‌های چپی متعددی در ترکیه شکل گرفت که هریک به‌نحوی حرکت‌های کردی را تحت تاثیر قرار دادند؛ از جمله این احزاب چپی، حزب کارگران ترکیه بود که تاحدی سیاست‌های تمرکزگرایانه و نیز شیوه برخورد با اقلیت‌ها را به باد انتقاد می‌گرفت. این

حزب در انتخابات ۱۹۶۵ توانست کرسی‌های زیادی را در مجلس به‌دست آورد. این حزب در آغاز همانند بسیاری از احزاب مارکسیستی دیگر، موضع مشخص و روشنی در قبال مساله کردها در ترکیه نداشت، اما از آنجا که معدودی از کردها در این حزب مشارکت داشتند، با تصدی رهبری حزب توسط یکی از آنها به نام محمدعلی اصلان در سال ۱۹۶۹، چرخشی در سیاست‌های این حزب در قبال مساله کردها به‌وجود آمد و برای اولین بار در کنگره چهارم خود، آشکارا هویت کردی را به‌عنوان یک اقلیت ستم‌دیده که طی چند دهه از طرف حکومت مرکزی نادیده انگاشته شده بود، به‌رسمیت شناخت. این خط‌مشی گام بسیار مهمی در راستای شناخت جنبش کردی در ترکیه بود؛ چراکه برای اولین بار یک حزب سیاسی رسمی ترکیه، بعد از چند دهه موجودیت کردها را به‌رسمیت می‌شناخت. کردها در قبال وعده اجویت مبنی بر توسعه اقتصادی و فرهنگی کردستان، از وی و حزبش حمایت کردند. با به قدرت رسیدن اجویت، فضای نسبتاً دموکراتیک دهه ۱۹۶۰ بار دیگر به جامعه برگشت و اکثر زندانیان سیاسی آزاد شدند. در این سال‌ها به‌دلیل بعضی اختلافات از جمله عدم تاکید بر شناسایی قومی کردها از طرف چپ ترکی و نگرش آنها به قومیت کرد، تنها به‌عنوان عامل مهم اتحاد، به‌رغم برخی مشترکات در زمینه انقلاب اجتماعی و تغییرات در جامعه، چپ ترکی و چپ کردی از هم جدا شدند و کردها تشکل‌های جداگانه‌ای را بنیان نهادند.^{۲۴}

در سال ۱۹۷۶، گروه‌های چپ‌گرای متعددی در میان فعالان کرد پایه‌ریزی شد که از آن جمله می‌توان به گروه چپ‌گرایی که مجله رزگاری افکار و عقاید آنها را تبلیغ می‌نمود، اشاره کرد. اما برجسته‌ترین و مؤثرترین سازمان چپ‌گرای کردی در دهه ۱۹۷۰، که در اوج فعالیت‌های چپی در ترکیه ظهور کرد، حزب کارگران کردستان یا پ.ک.ک بود. این حزب در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد و در همان سال اعضای این گروه، اتحادیه دانشجویان آموزش عالی میهن‌پرستان دموکراتیک آنکارا را سازماندهی می‌کردند و چارچوب فعالیت آنها بیشتر در راستای شناساندن هویت، زبان و فرهنگ کردی بود. در مجموع می‌توان گفت که در این دوران؛ یعنی از جنگ جهانی دوم تا کودتای ۱۹۸۰، نظام سیاسی ترکیه به‌رغم به‌وجود آمدن فضایی نسبتاً دموکراتیک، هرگونه فعالیت سیاسی، ادبی و فرهنگی کردها را تحمل نمی‌کرد و همواره از شکل‌گیری هرگونه حرکت

سیاسی و فرهنگی از طرف کردها جلوگیری می‌شد. از طرف دیگر و با توجه به بافت سنتی و عشیره‌ای کردستان که هنوز ریشه‌کن نشده بود، حرکت‌های کردی نتوانست در میان عامه مردم نفوذ کند و صرفاً به حوزه‌های روشنفکری و دانشجویی محدود می‌شد.^{۲۵}

– دوره سوم. رادیکالیزه شدن جنبش کردی در ترکیه و پیدا شدن پ.ک.ک: بدون تردید حزب کارگران کردستان، خشن‌ترین و افراطی‌ترین جنبش کردی است که در عمر جمهوری ترکیه در صحنه مبارزات مسلحانه کردستان این کشور ظاهر شده است. پ.ک.ک، یک گروه شبه‌نظامی از کردهای ترکیه است که برای استقلال مناطق کردنشین این کشور با دولت مرکزی ترکیه می‌جنگد. این گروه از مناطق کردنشین شمال عراق به‌عنوان مخفیگاه بهره می‌برد. کردها پس از سال‌ها تحمل سرکوب، در دهه ۱۹۸۰ با سازماندهی جدید تحت عنوان «پ.ک.ک»، جنگ مسلحانه خونین و وسیعی را علیه دولت ترکیه به راه انداختند. رهبر این گروه با همکاری سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای آمریکا، اسرائیل، یونان و کنیا در سال ۱۹۹۹، دستگیر شد. با این حال، این گروه به‌رغم تغییر نام همچنان به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد و موجب نگرانی بسیار ترکیه است. کینه کردها به‌دنبال سال‌ها سرکوب هنوز زنده است و ترک‌ها خوب می‌دانند که این امر، انگیزه کافی برای تداوم مبارزه را در کردها ایجاد می‌کند. به‌همین دلیل، به‌رغم جایگزینی پ.ک.ک با ک.د.ک و تغییر مشی مسلحانه به مشی سیاسی، ترک‌ها با رد این ادعا، کماکان به‌دنبال ریشه‌کن کردن گرایش‌های افراطی کردها می‌باشند. منشاء اصلی حزب کارگران کردستان به گروه‌های دانشجویی دانشگاه‌های ترکیه در ۱۹۷۴ باز می‌گردد. در آغاز، انجمنی دانشجویی به نام «انجمن تحصیل‌کردگان دموکرات وطن‌پرست آنکارا تشکیل گردید. اما به‌زودی نام آپوچی یا پیروان آپو به معنی عمو نام مستعار عبدالله اوجالان را به خود گرفت. وی پس از حشرو نشر با گروه‌های دانشجویی و بحث در مورد مسایل سیاسی، فرهنگی و تاریخی کردها، پ.ک.ک را پایه‌گذاری نمود. این حزب پس از کودتای ۱۹۸۰ و هنگامی که در ۱۹۸۲ قانون اساسی ترکیه دوباره بر اساس اصول ۲۶، ۴۸ و ۸۹، ترویج زبان کردی، انتشار کتاب، مجله و نوار به این زبان و تشکیل هرگونه حزب وابسته به فرهنگ غیرترکی را ممنوع نمود، حزب تصمیم به مبارزه مسلحانه گرفت. عمده منابع مالی این حزب، از کردهای سوریه و کارگران و پناهندگان

کرد مقیم اروپاست. با فروپاشی شوروی و افول جاذبه افکار مارکسیستی، این حزب بیشتر به سوی ملی‌گرایی سوق پیدا کرد. این حزب بالاخره در سال ۱۹۹۸ دست از هرگونه فعالیت مسلحانه برداشت، اما هنوز از نظر سیاسی و فرهنگی فعال می‌باشد.^{۲۶}

۲. عرب‌ها

دومین گروه مهم نژادی در ترکیه، عرب‌ها هستند. هیچ آمار رسمی دقیقی در مورد گروه‌های نژادی عرب ترکیه در دست نیست. اقلیت عرب ترکیه در مجاورت مرزهای ترکیه با سوریه سکونت دارند. برخلاف کردها که اقدام به تأسیس حزب برای خواست‌های خود کرده و در هر دوره انتخابات تعدادی از نمایندگان خود را به پارلمان اعزام می‌کنند، عرب‌های ترکیه تاکنون مبادرت به تشکیل احزاب سیاسی به منظور بیان خواست‌ها و مطالبات خود نکرده‌اند، عرب‌های ترکیه از حق داشتن مدارس ویژه و راه‌اندازی رسانه‌های گروهی مخصوص به خود محرومند.^{۲۷}

۳. لازها

گرچه کردها در بین اقلیت‌های نژادی ترکیه با حساسیت فراوانی روبه‌رو هستند، اما اقلیت‌های دیگری با جمعیت اندک در این جامعه زندگی می‌کنند که با حساسیت کمتری مواجه‌اند. از میان این اقلیت‌ها می‌توان به لازها، چرکس‌ها و گرجی‌ها اشاره کرد که ریشه جغرافیایی‌شان به منطقه قفقاز باز می‌گردد. آنها مانند دیگر اقلیت‌ها در هیچ‌یک از آمارهای رسمی حضور ندارند و شناسایی آنان عمدتاً از طریق ارزیابی‌های عمومی صورت می‌گیرد. گفته می‌شود جمعیت لازها به ۱۵۰ هزار نفر می‌رسد. برخی برآوردها این رقم را به ۲۵۰ هزار نفر می‌رسانند؛ لازها عمدتاً پیرو مذهب حنفی هستند.

۴. چرکس‌ها

چرکس‌ها یکی دیگر از نژادهای بزرگ ترکیه پس از ترک‌ها و کردها محسوب می‌شوند. جمعیت آنها در حدود یک میلیون نفر است که عمدتاً در مناطق آناتولی غربی و میانی زندگی

می‌کنند. چرکس‌ها پیرو مذهب حنفی هستند که با مذهب اکثریت ترک‌ها یکسان است. چندگانگی ترکیه به اقلیت‌های یاد شده در بالا خلاصه نمی‌شود، بلکه علاوه بر موارد یاد شده، اقلیت‌های قومی دیگری نیز در این کشور زندگی می‌کنند که جمعیت هریک از آنها به چندصد نفر تا چند هزار نفر می‌رسد؛ گروه‌هایی چون آلبانی‌ها، روس‌ها، آلمانی‌ها و گروه‌های قومی آسیای مرکزی مانند: ازبک‌ها، قرقیزها، تاتارها، اویگورها و آذری‌ها که حساسیت چندانی نسبت به آنها وجود ندارد.

برابری سیاسی در حوزه نظری (اساسنامه و بیانیه‌های حزب عدالت و توسعه)

در اساسنامه حزب عدالت و توسعه، برابری تمام شهروندان به‌عنوان ارزش بنیادین دموکراسی بیان شده است. در بیانیه‌های انتخاباتی این حزب بدون اشاره به ملت ترک، تمام مردم ترکیه از هر گروه قومی و مذهبی، در برابر قانون یکسان فرض شده و هیچ گروهی بر گروه دیگر برتری ندارد.^{۲۸} در اساسنامه و بیانیه‌های انتخاباتی حزب عدالت و توسعه، به‌صورت صریح و روشن و به‌عنوان حقوق و تکالیف اساسی ملت، بر قلمروهای برابری سیاسی چون: حق انتخاب، حق انتخاب شدن و انجام فعالیت سیاسی کلیه اتباع ترکیه اعم از مسلمان و غیرمسلمان که شهروند این کشور محسوب شوند، تاکید شده است.

برابری سیاسی در حوزه عمل

۱. حق انتخاب:

– **اقلیت‌های دینی و قومی:** اقلیت‌های نژادی، قومی و دینی موجود در ساختار اجتماعی ترکیه از حیث شرکت در انتخابات مختلف، محدودیت و ممنوعیتی ندارند و مانند سایر شهروندان می‌توانند به کاندیداهای تعیین شده رای دهند. مهاجران نیز در صورت پذیرش به‌عنوان شهروند جامعه ترکیه، می‌توانند از حق رای برخوردار باشند. همچنین اتباع ترک ساکن در خارج از مرزهای کشور نیز از طریق نمایندگی‌ها و سفارتخانه‌های ترکیه در کشور یاد شده، از این حق سیاسی بهره‌مند می‌گردند که این امر در اصل ۶۷ قانون اساسی^{۲۹} به‌صراحت تاکید شده است.

طبق این اصل، کلیه اتباع ترکیه که شهروند این جامعه محسوب شوند، اعم از مسلمان و غیرمسلمان از حق انتخاب برخوردارند. این حق به تبعیت از بند یاد شده قانون اساسی، جزو اصول لایتنیر اساسنامه و بیانیه‌های انتخاباتی حزب عدالت و توسعه به‌شمار می‌رود.

– زنان: زنان نیز به‌عنوان شهروندان جامعه همپای مردان حق انتخاب دارند. این حق پیشتر در سال ۱۹۳۰ به زنان اعطا شد. از این تاریخ به بعد، زنان حق رای دادن داشته و در ادوار مختلف انتخابات مجالس محلی و ملی همواره شرکت کرده‌اند؛ ضمن اینکه در قانون اساسی که در دوره‌های مختلف تدوین شد و آخرین آن مربوط به پس از کودتای ۱۹۸۰ میلادی است، این حق محترم شمرده شد.

۲. حق انتخاب شدن

– اقلیت‌های دینی: در بین اقلیت‌های شناخته شده دینی یا آنهایی که رسماً شناسایی نشده‌اند، یهودیان، یونانی‌ها، علوی‌ها و سریانی‌ها عملاً مشارکتی در انتخابات از حیث معرفی کاندیدا، فعالیت و تبلیغات انتخاباتی ندارند. یهودیان، یونانی‌ها و سریانی‌ها خودشان عملاً به این شرایط رضایت دارند و تمایل چندانی به مشارکت در سیستم انتخاباتی و معرفی کاندیدا ندارند، ولی علویان به دلیل داشتن جمعیت درخور توجه، مطالباتی دارند که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. نهادها و انجمن‌های علوی که در قالب طریقت‌های مختلفی نظیر بکتاشیه و غیره فعالیت دارند، مطالبات جدی از نظام سیاسی دارند. علویان به‌طور سنتی در قطب‌بندی لائیک-اسلام‌گرایی تاکنون معمولاً در زمره طرفداران لائیک قرار داشته‌اند.^{۳۰} شیعیان نیز دارای حزب سیاسی مشخصی نبوده و در انتخابات معمولاً از احزاب راست‌گرای ملی و اسلامی حمایت می‌کنند. بدین ترتیب که بیشتر شیعیان جعفری در مناطق شمال شرقی، از حزب افراطی ملی به‌نام حرکت ملی‌گرا حمایت می‌کنند و در مناطق غربی (در ازمیر، بورسا و استانبول)، معمولاً طرفدار احزاب اسلامی و ملی هستند.

– اقلیت‌های قومی: در بین اقلیت‌های قومی، کردها به سبب جمعیت درخور توجه، شرایط بهتری نسبت به بقیه دارند. کردها در دوره‌های مختلف، هم در مجلس ملی و هم در مجالس

محلی و شهرداری‌ها، موفقیت‌هایی به‌دست آورده‌اند. در انتخابات محلی (۲۰۰۹)، حزب جامعه دموکراتیک کرد در مناطق کردنشین بیشترین آرا را کسب کرد و در انتخابات مجلس چهاردم (۲۰۰۷) نیز کردها توانستند بیش از ۲۰ نماینده به صورت انفرادی راهی مجلس نمایند. در انتخابات ۲۰۰۷ مجلس ملی و نیز انتخابات محلی ۲۰۰۹، حزب جامعه دموکراتیک خلق به‌عنوان یک حزب کردی در لیست ۱۴ حزبی بود که توانست وارد کارزار انتخابات شود؛ به‌گونه‌ای که حزب مزبور، شهرداری‌های تحت کنترل خود را به ۹۶ شهر افزایش داد.

- زنان: زنان ترکیه حقوق سیاسی خود را بسیار زودتر از برخی هم‌تایان خود در کشورهای اروپایی به‌دست آورده‌اند. آنها در سال ۱۹۳۰ حق انتخاب شدن را کسب کردند. با وجود این امر، معمولاً زنان در عرصه سیاست با محدودیت‌هایی مواجه بودند؛ حتی هنوز هم احزاب نسبت به زنان و ورود آنها به سیاست علاقه زیادی نشان نمی‌دهند.^{۳۱} تا پیش از انتخابات ۲۰۰۷، ترکیه تنها با داشتن ۴/۴ درصد نماینده زن در مجلس، در رده آخر آمار حضور زنان در پارلمان‌های اروپا بود. براساس آمار منتشره از سوی نهادهای ذیربط انتخابات ترکیه، در انتخابات ۲۰۰۷ کاندیداهای زن در رقابت پارلمانی توانستند شمار کرسی‌های خود را نسبت به انتخابات ۲۰۰۲ تا دو برابر افزایش دهند. در مجلس چهاردهم، پارلمان این کشور شاهد حضور ۵۰ نماینده زن بود که تنها ۳۱ کاندیدای زن متعلق به حزب عدالت و توسعه بود. زنان ۹/۰۹ درصد کل نمایندگان پارلمان را تشکیل می‌دادند.

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که از مجموع ۱۴ دوره نمایندگی مجلس، دوره‌های ۱۳ و ۱۴ مجلس، که مربوط به سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۲ و زمان حاکمیت حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه می‌باشد، بیشترین حضور نمایندگان زن را تجربه کرده است. به‌خصوص که در انتخابات ۲۰۰۷، حزب عدالت و توسعه به تنهایی ۳۱ نفر از زنان را نامزد نمایندگی مجلس کرده بود که همگی توانستند به مجلس راه یابند.

۳. حق احراز مناصب دولتی

در احراز مناصب عالی دولتی، گروه‌های مختلف دینی و قومی و جنسیتی وضعیت متفاوتی دارند:

– اقلیت‌های دینی: به‌لحاظ دینی، مهم‌ترین اقلیت مذهبی در ترکیه علویان هستند که تاکنون مناصب عالی دولتی به‌ویژه مناصب ارتشی و امنیتی را به‌دست نیاورده‌اند؛ حتی یک علوی نتوانسته است به فرماندهی ارتش و یا ریاست شهربانی برسد. هرچند در فهرست انتخاباتی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۷ نام چند تن از علویان به چشم می‌خورد که همگی نتوانستند به مجلس راه یابند، اما در سایر مناصب سیاسی، اثری از حضور علویان جز در منصب شهرداری برخی شهرهای علوی‌نشین نیست.^{۳۲}

شیعیان نیز در ترکیه تقریباً حضور بارز و برجسته‌ای ندارند و به‌عنوان اقلیت نیز فاقد رسمیت لازم هستند. شیعیان ترکیه همچنین مسئولیت‌های مهمی در ارکان قدرت ندارند و بیشتر به مشاغل آزاد و غیردولتی اشتغال دارند. در فهرست انتخاباتی پارلمانی حزب عدالت و توسعه در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ نامی از شیعیان نیست. آنها تنها در برخی شهرهای ترکیه که شیعه‌نشین هستند، توانسته‌اند برخی از پست‌های شهرداری را در انتخابات محلی به‌دست گیرند.^{۳۳}

اقلیت‌های غیرمسلمانی چون یهود و ارمنه، به‌رغم شناسایی رسمی به‌عنوان اقلیت، به‌جهت کاهش جمعیت و عدم اشتیاق به مشاغل سیاسی و دولتی، تاکنون نتوانسته‌اند از مناصب بالای سیاسی برخوردار شوند؛ هرچند در انتخابات ۲۰۰۷ پارلمان، یک یهودی توانست به مجلس راه یابد. در این میان مصادیقی چون اسماعیل جم و درویش اوغلو یهودی که در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک چپ (زمان نخست‌وزیری بولنت اجویت) به مناصبی چون وزارت رسیدند، استثنا به‌شمار می‌رود؛ استثنایی که در زمان حاکمیت حزب عدالت و توسعه تکرار نشده است.

– اقلیت‌های قومی: در بین گروه‌های دینی و قومی ترکیه، گروه قومی کردها نسبت به سایر گروه‌ها وضعیت برجسته‌ای دارند، به‌طوری که نتوانستند حتی برخی از مناصب حساس سیاسی را تصاحب کنند. در فهرست انتخاباتی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، نام حدود ۱۰ کرد به‌چشم می‌خورد که این رقم در انتخابات ۲۰۰۷ با جهش چند برابری نسبت به انتخابات قبلی، به ۵۰ نفر رسید. در این فهرست همچنین علاوه بر کردها، نام چند تن از دیگر اقلیت‌های جامعه همچون علویان، عرب‌ها و حتی بلغارها و مهاجرین نیز مشاهده می‌شود. علاوه بر فهرست نمایندگی مجلس، در فهرست وزرای پیشنهادی دولت برای تصدی وزارتخانه‌های مربوطه در

سال ۲۰۰۲، نام چهار تن از شهروندان کرد مشاهده می‌شود که کماکان اثری از دیگر گروه‌های مهم جامعه چون علوی‌ها نیست. در لیست منتشر شده وزارای سال ۲۰۰۷، علاوه بر ۵ تن از شهروندان کرد یک شهروند عرب نیز موفق به تصاحب منصب وزارت از جانب این حزب گردید.

- زنان و احراز مناصب سیاسی: در قانون اساسی ترکیه درخصوص احراز مناصب عالی دولتی به زنان منعی وجود ندارد، اما در عمل از پتانسیل زنان در مناصب عالی دولتی جز در مواردی اندک استفاده نمی‌شود. با این وصف، زنان در دهه ۱۹۵۰ در نیروی ارتش پذیرفته شدند و به مقام کلنلی هم رسیده‌اند. زنان همچنین مناصب بالایی را در سیستم قضایی از آن خود کرده‌اند. زنان قاضی بسیاری در این سیستم فعالیت داشته‌اند، زنان همچنین در برخی شهرها توانستند پست شهرداری را از آن خود کنند. در کابینه حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، فقط دو زن حضور داشت که این رقم در دوره بعدی (۲۰۰۷) نیز تکرار شد. گروه مدافع حقوق زنان آنکارا در سال ۱۹۹۴، میزان حضور زنان در قوه مجریه کشور را ۱/۱۵ درصد اعلام کرده بود، در حالی که این میزان در دور دوم حکومت حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۷ به ۱۱/۸ درصد رسید. علاوه بر این، در فهرست ۵۶ نفره شورای مرکزی حزب عدالت و توسعه، نام حدود ۱۱ زن به چشم می‌خورد.^{۳۴}

نتیجه‌گیری

با بررسی تجربیات و تلاش‌های حزب عدالت و توسعه در اعمال برابری‌های سیاسی در دو دوره حاکمیت این حزب بر فضای سیاسی جامعه مسلمان ترکیه، می‌توان به این جمع‌بندی دست یافت: در حیطه نظری، در اساسنامه و مرامنامه حزب عدالت و توسعه و در بیانیه‌های انتخاباتی این حزب، بر برابری کلیه اتباع ترکیه (و نه الزاماً اتباع ترک) اعم از شهروندان مسلمان و غیرمسلمان در عرصه‌های حق انتخاب، حق انتخاب شدن و انجام فعالیت سیاسی با بیانی صریح تأکید شده است. در عرصه حق انتخاب، در طول دو دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه، تمام شهروندان جامعه بدون هیچ‌گونه محدودیت و ممنوعیتی همچون ادوار گذشته، در انتخابات مختلف شرکت کرده و این حزب با احترام به حق انتخاب ملت که در قانون اساسی تصریح شده، فضا و عرصه را برای مشارکت شهروندان مهیا کرده است. در مقطع زمانی یاد شده، انتخابات در

ترکیه همواره بر پایه قانون و نظم و با برخورداری از شفافیت، نظارت ملی و ارزیابی مثبت بین‌المللی برگزار شده است. در عرصه حق انتخاب شدن، تمام شهروندان ترکیه به شرط دارا بودن شرایطی که در قانون اساسی این کشور ذکر شده است، می‌توانند از این حق برخوردار شوند. در بازه زمانی یاد شده، در بین اقلیت‌های شناخته شده دینی یا آلهایی که رسماً شناسایی نشده‌اند، یهودیان، یونانی‌ها، علوی‌ها و سریانی‌ها عملاً مشارکتی در انتخابات از حیث معرفی کاندیدا، فعالیت و تبلیغات انتخاباتی نداشته‌اند. یهودیان، یونانی‌ها و سریانی‌ها خودشان عملاً به این شرایط رضایت دارند و تمایل چندانی به مشارکت در سیستم انتخاباتی و معرفی کاندیدا ندارند، ولی علویان به دلیل داشتن جمعیت درخور توجه، مطالباتی دارند که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. در میان اقلیت‌های قومی، کردها در دوره‌های مختلف، هم در مجلس ملی و هم در مجالس محلی و شهرداری‌ها، موفقیت‌هایی به دست آورده‌اند. در انتخابات ۲۰۰۷ مجلس ملی و نیز انتخابات محلی ۲۰۰۹، حزب جامعه دموکراتیک خلق به عنوان یک حزب کردی در لیست ۱۴ حزبی بود که توانست وارد کارزار انتخابات شود.

در عرصه حق احراز مناصب سیاسی، این حزب با به کارگیری برخی از گروه‌های مهم قومی و دینی جامعه چون عرب‌ها، کردها و علویان در برخی از مناصب سیاسی همچون منصب وزارت، مشاورت، نمایندگی مجلس و غیره برابری سیاسی را در این عرصه به نمایش گذاشته است؛ گرچه این گونه تلاش‌ها قابل توجه است، اما پاسخگوی مطالبات اساسی گروه‌های یاد شده که جمعیت درخور توجهی دارند، نمی‌باشد. این حزب همچنین با انتصاب دو زن در منصب وزارت، ۳۱ زن در فهرست نمایندگی مجلس در انتخابات سال ۲۰۰۷، ۱۱ زن در شورای مرکزی حزب و چندین تن دیگر در مجالس محلی و شهرداری، گام‌هایی در جهت تحقق برابری سیاسی برداشته است. فراتر از موارد گفته شده، این حزب در خلال دو دوره زمامداری خویش، اقدامات و اصلاحاتی را در جهت تامین اصل برابری که برابری سیاسی نیز جزئی از آن به‌شمار می‌رود، انجام داده که از آن جمله می‌توان به اصلاح ماده ۱۰ قانون اساسی اشاره کرد که بر اساس آن افراد بدون توجه به زبان، نژاد، رنگ، جنسیت، اندیشه سیاسی، دین و مذهب و غیره در مقابل قانون برابر است و هیچ فرد، خانواده، گروه و صنفی، در مقابل قانون از برتری خاصی برخوردار نمی‌باشد.

نهادهای دولتی و مسئولین اداری موظفند در کلیه امور و بهره‌مندی از هر نوع خدمات در مقابل قانون، بر اساس اصول برابری عمل کنند. این حزب همچنین در سال ۲۰۰۴، به قسمت اخیر این ماده بندی به این شرح اضافه کرد: زنان و مردان از حقوق برخوردارند. دولت موظف است این برابری را با وضع قانون تامین نماید. در انتخابات اخیر ترکیه (۲۰۱۱)، حزب عدالت و توسعه برای سومین دور متوالی با شعار «ما همه یک ملتیم»، توانست از ۵۵۰ کرسی موجود در مجلس ملی، ۳۲۶ کرسی را به‌دست آورد. این پیروزی از یک‌سو، این فرصت را در اختیار حزب عدالت و توسعه قرار خواهد داد که در سایه این موفقیت با اعتماد به نفس بیشتر و با دستی بازتر، با تمسک به نتایج مثبت همه‌پرسی قانون اساسی، این اصلاحات را به سرانجام مطلوبی برساند؛ و از سوی دیگر، این حزب به‌منظور تقویت پایه‌های دموکراسی که در جریان تبلیغات انتخاباتی از آن سخن گفته بود، گروه‌های مهم اجتماعی نظیر علویان و کردها را در تصمیم‌گیری‌های اساسی جامعه مشارکت خواهد داد.

جدول شماره ۱. آمار حضور زنان در ادوار مختلف مجلس

ردیف	تاریخ انتخابات	تعداد زنان	درصد
۱	۱۹۵۴	۴ نفر	۷۴ دهم درصد
۲	۱۹۵۷	۴ نفر	۱/۳۴ درصد
۳	۱۹۶۱	۳ نفر	۶۷ دهم درصد
۴	۱۹۶۵	۸ نفر	۱/۷۸ درصد
۵	۱۹۶۹	۵ نفر	۱/۱۱ درصد
۶	۱۹۷۳	۶ نفر	۱/۳۳ درصد
۷	۱۹۷۷	۴ نفر	۸۹ دهم درصد
۸	۱۹۸۳	۱۲ نفر	۳ درصد
۹	۱۹۸۷	۶ نفر	۱/۳۳ درصد
۱۰	۱۹۹۱	۸ نفر	۵/۱۱ درصد
۱۱	۱۹۹۵	۱۳ نفر	۲/۳۶ درصد
۱۲	۱۹۹۹	۲۲ نفر	۴ درصد
۱۳	۲۰۰۲	۲۴ نفر	۴/۳۶ درصد
۱۴	۲۰۰۷	۵۰ نفر	۹/۰۹ درصد

Source: www.konrad.org.tr

جدول شماره ۲. فهرست نمایندگان کرد مجلس که در سال ۲۰۰۲

از سوی حزب عدالت و توسعه به مجلس راه یافتند

ردیف	نماینده	گروه قومی
۱	شوکت گورسوی	کرد
۲	محمود گک سو	کرد
۳	فهمی هوسرو	کرد
۴	محمد اوز یول	کرد
۵	احمد فاروق اونسال	کرد
۶	ناجی اصلان	کرد
۷	جمال کایا	کرد
۸	خلیل اوزبولجو	کرد
۹	محمد یلدز	کرد
۱۰	کنعان التین	کرد

Source: www.akp.org.ir

جدول شماره ۳. فهرست نمایندگان اقلیتهای قومی و دینی که در سال ۲۰۰۷ از سوی حزب عدالت و توسعه به مجلس راه یافتند.

ردیف	نماینده	گروه قومی	ردیف	نماینده	گروه قومی
۱	محمد اردوغان	کرد	۳۱	مهدنی ایلماز	کرد
۲	فهمی حسرو کوتلو	کرد	۳۲	سراج الدین کارایاغیز	کرد
۳	شوکت گورسوی	کرد	۳۳	صبح الدین جوهری	کرد
۴	محمد حنیف آلیر	کرد	۳۴	رمضان باشاک	کرد
۵	فاطمه سالمان کوتان	کرد	۳۵	وحیا آکمان	کرد
۶	یاشار اريلمز	کرد	۳۶	ذوالفقار ای زول	کرد
۷	جمال کایا	کرد	۳۷	عبدالرحمان مفیدیتکین	کرد
۸	عبدالکریم آی دمیر	کرد	۳۸	ایوب جناب گولبیهار	کرد
۹	برهان کایاترک	کرد	۳۹	چاغلا آکتمور	کرد
۱۰	جواد بیلماز	کرد	۴۰	مصطفی کوش	کرد
۱۱	یوسف چوشکون	کرد	۴۱	گولش اورهان	کرد
۱۲	کاظم آل دوغلو	کرد	۴۲	اکرام دینجر	کرد
۱۳	زکرگرم	کرد	۴۳	کایهان تورکمن اوغلو	کرد
۱۴	جمال تاسار	کرد	۴۴	کرم آلتون	کرد
۱۵	محمد مهدی اکر	کرد	۴۵	حسین چلیک	کرد
۱۶	عثمان اصلان	کرد	۴۶	احمد اینال	کرد
۱۷	علی احسان مردان اوغلو	کرد	۴۷	عبدالله ولی سی دا	کرد
۱۸	قطب الدین ارزو	کرد	۴۸	بیلماز تونچ	کرد
۱۹	عبدالرحمان	کرد	۴۹	صفات کایا	کرد
۲۰	محمود دوردو	کرد	۵۰	علی گونر	کرد
۲۱	محمد اردوغان	کرد	۵۱	سعدالله ارگین	عرب
۲۲	عبدالمطلب ازیک	کرد	۵۲	مصطفی اوستوک	عرب
۲۳	رستم زیدان	کرد	۵۳	عبدالهادی کاهیا	عرب
۲۴	محمد ساعید دیلک	کرد	۵۴	فوکی شانوردی	عرب
۲۵	حیدر کمال	کرد	۵۵	محمد مودین اوغلو	مهاجر
۲۶	زکی کارابازیر	کرد	۵۶	عمر فاروق اوز	علوی
۲۷	محمود اسات گون	کرد	۵۷	فاتیح اریکان	علوی
۲۸	گونیت یوکسک	کرد	۵۸	محمد خلیل دمر	کرد - علوی
۲۹	سلیمان چلیبی	کرد	۵۹	ضیاءالدین آکبولوت	مهاجر بلغار
۳۰	گونول بکین	کرد	۶۰	شکرو آی الان	علوی

Source: www.akp.org.ir

جدول شماره ۴. وزرای کرد معرفی شده از سوی حزب عدالت و توسعه برای تصدی وزارتخانه‌ها سال ۲۰۰۲

ردیف	وزیر	گروه قومی	وزارت
۱	حسین چلیک	کرد	وزارت فرهنگ
۲	عبدالقادر اکوس	کرد	وزیر در امور داخلی
۳	زکی ارکن	کرد	وزیر کار
۴	محمد مهدی اکر	کرد	کشاورزی

Source: www.akp.org.ir

جدول شماره ۵. وزرای کرد و عرب معرفی شده از سوی حزب عدالت و توسعه برای تصدی وزارتخانه‌ها سال ۲۰۰۷

ردیف	وزیر	وزارت	گروه قومی
۱	جودت یلماز	وزیر در امور دولتی	کرد
۲	اگمن باغیش	وزیر در امور دولتی	کرد
۳	صلاح‌الدین ارگین	وزیر دادگستری	عرب
۴	محمد وجدی گونول	وزیر دفاع ملی	کرد
۵	محمد شیمشک	وزیر دارایی	کرد
۶	محمد مهدی اکر	وزیر کشاورزی	کرد

Source: www.akp.org.ir

پاورقی‌ها:

۱. دیوید بنتام، *دموکراسی چیست*، ترجمه شهرام نقش‌تبریزی، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶، ص ۱۹.
۲. فروغ جهانبخش، *اسلام و دموکراسی*، ترجمه جلیل پروین، تهران: گام نو، ۱۳۸۵، صص ۲۹-۳۰.
۳. همان، ص ۳۱.
۴. محمد نورالدین، *ترکیه جمهوری سرگردان*، ترجمه سید حسین موسوی، تهران: انتشارات مرکز پژوهشهای استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۳، ص ۶۸.
۵. همان، صص ۷۰-۶۹.
۶. هدی کنعان، «علویان در ترکیه»، ترجمه علی‌محمدی، کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره‌های ۶۶-۶۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲، صص ۹۸-۹۷.
۷. نوری دونمز، «علویان ترکیه»، *فصلنامه طلوع*، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۴، صص ۱۸-۱۴.
۸. رحمت‌الله فلاح، «علویان ترکیه در تکاپوی هویت‌طلبی سیاسی»، *فصلنامه جهان اسلام*، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۵، صص ۲۲-۲۱.
۹. همان، صص ۲۳-۲۲.
۱۰. محمدعلی قاسمی، «تاثیر علویان بر سیاست ترکیه معاصر»، *گزارش راهبردی*، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶، ص ۶.
۱۱. طیاروند، وب‌سایت رایزنی فرهنگی ایران در ترکیه: <http://ankara.icro.ir>
۱۲. مجموعه مقالات رایزنی ایران در ترکیه، همان.
۱۳. مرتضی ترابی، «وضعیت شیعیان ترکیه (مصاحبه)»، *ماهنامه پژوهش*، شماره ۱۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵.
۱۴. هدی کنعان، پیشین، ص ۹۸.
۱۵. نوری دونمز، پیشین، ص ۲۵.
۱۶. شادان پرند و زهرا سبحانی، *زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، ۱۳۷۳، ص ۸۰.
۱۷. مجموعه مقالات رایزنی ایران در ترکیه، پیشین.
۱۸. <http://www.kheimhnews.com>
۱۹. مجموعه مقالات رایزنی ایران در ترکیه، پیشین.

۲۰. حسن بدل، «شرایط دینی و مذهبی ترکیه»، فصلنامه طلوع، شماره‌های ۱۰ و ۱۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۳.
۲۱. وب سایت جامعه کلیمیان ایران: <http://www.iranjewish.com>
۲۲. محمد نورالدین، پیشین، ص ۹۷.
۲۳. فریدون نوری، «بازخوانی یک پرونده، نگاهی تاریخی به اختلافات کردها و دولت ترکیه»، هفته‌نامه شهروند/امروز، ۱۱ آذر ۱۳۸۶، ص ۵۵.
۲۴. کامیل کریمیان، «بحران قومی در ترکیه»، فصلنامه نهضت، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹، صص ۱۵-۱۰.
۲۵. حسن نقدی نژاد، «نبرد بی‌پایان؛ مبارزه ترکیه با کردها»، گزارش راهبردی مرکز استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، خرداد ۱۳۷۸، ص ۳۶.
۲۶. جبار مروتی میلان، «کمالیسم و شکل‌گیری جنبش‌های مسلحانه»، بولتن مرکز مطالعات خاورمیانه، پاییز ۱۳۸۰، صص ۲۲-۲۰.
۲۷. محمد نورالدین، پیشین، صص ۱۰۷-۱۰۶.
۲۸. بیانیه انتخاباتی حزب عدالت و توسعه: www.belgenet.Com
۲۹. وب سایت قانون اساسی ترکیه: www.anayasa.gen.tr
۳۰. محمد نورالدین، پیشین، صص ۱۲۶-۱۲۵.
۳۱. وب سایت جامعه زنان ایران: www.irwomen.info
۳۲. محمد نورالدین، «اسلام سیاسی و اسلام اجتماعی در ترکیه»، نگاه حوزه، مهر ۱۳۸۰.
۳۳. <http://www.arannews.Ir>
۳۴. فهرست نمایندگان زن حزب عدالت و توسعه در مجلس ملی، قوه مجریه، شورای مرکزی حزب: www.akp.org.ir